





پژوهشکده مردم‌شناسی

مجموعه مقالات نخستین همایش نوروز

بهار ۱۳۷۹

همایش نوروز (نخستین: ۱۳۷۷ : تهران).
مجموعه مقالات نخستین همایش نوروز / معاونت پژوهشی [سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)]، پژوهشکده مردم شناسی.— تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، پژوهشکده مردم شناسی، ۱۳۷۹.
۳۵۱ ص.
ISBN 964-6027-78-4: ۲۲۰۰۰ ریال
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه.
۱.نوروز -- کنگره‌ها. ۲.نوروز -- مقاله‌ها و خطابه‌ها. الف.سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه). معاونت پژوهشی. ب.سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه). پژوهشکده مردم شناسی. ج.عنوان.

GT٤٨٧٤/ه۸ ۱۳۷۷ ۳۹٤/۲۶۹۵۵

کتابخانه‌ملی‌ایران م۷۹-۷۶۳۳



معاونت پژوهشی
پژوهشکده مردم شناسی

مجموعه مقالات نخستین همایش نوروز

گروه مردم‌شناسی آئینی پژوهشکده مردم‌شناسی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۷۹

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

ناشر: سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده مردم‌شناسی

طرح روی جلد: رضا عابدینی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه علمی فرهنگی «نص»

لیتوگرافی: نقره آبی **چاپ:** سبز آسیا **صحافی:** سلیمانی

اموراجرایی: پژوهشکده مردم‌شناسی

شابک: ۹۶۴-۶۰۲۷-۷۸-۴

قیمت: ۲۲۰۰ تومان

آغاز سال نو در دورهٔ هخامنشی

■ شاهرخ رزمجو

نورز جشنی بسیار کهنسال است و بسی کهن‌تر از هزاره‌ها و حکومت‌ها.

آیا هخامنشیان چنین جشنی برای آغاز سال نو داشته‌اند و آیا همواره روز یکم فروردین و لحظه اعتدال بهاری و ورود آفتاب بـه بـرج حـمل (بـره) را زمـان بـرگزاری ایـن جشـن می‌دانسته‌اند؟ برای پاسخ به چنین پرسش‌هایی باید نگاهی به تقویم هخامنشی انداخت. در تقویم هخامنشی با توجه به کتیبه‌های به دست آمده مـانند سـالنامه‌های بـابلی و هـمچنین متن‌های خزانه و باروی تخت جمشید می‌توان به‌دقت و به طور کامل زمان آغاز هر یک از ماهها و همچنین زمان دقیق کبیسه‌ها و آغاز سال نو را تعیین کرد. زمان نوروز همواره برابر آغاز ورود آفتاب به برج حمل (بره) دانسته شده‌که زمان دقیق اعتدال بهاری نیز هست. دست کم از دوره ساسانی چنین مدارکی در دست است. این زمان یکم فروردین و برابر با ۲۱ مارس در تقویم میلادی است. بنابراین باید انتظار داشت که در تقویم هخامنشی، آغاز روز یکم از ماه یکم هر سال برابر با یکم فروردین با ۲۱ مارس باشد.

نخست از نظر زمانی باید بدانیم که روز آغاز سال نو در دوره هخامنشی چه زمانی بوده است؟ آن طور که از کتیبه‌های دوران هخامنشی بر می‌آید، زمان آغاز سال نو زمان مشخص و دقیقی نداشته بلکه متغیر بوده و دلایل آن بسیار پیچیده است.[1] بنابر مدارک باقی مانده در سر تاسر دوران هخامنشی، زمان آغاز سال نو در دوره هخامنشی از ۲۱ اسفند ماه (۱۲ مارس)

---

۱. برای گاهشماری دقیق هخامنشیان نگاه کنید به: Parker & Dubberstein, 1956 .

تا ۹ اردیبهشت (۲۹ آوریل) در نوسان بوده، ولی به طور کلی یک محدوده زمانی از یکم فروردین (۲۱ مارس) تا سوم اردیبهشت (۲۳ آوریل) را در بر می‌گرفته است. براساس مدارک می‌بینیم که در سرتاسر دوران هخامنشی سالی که شروع سال نو در ۲۱ مارس ثبت شده، سال سوم پادشاهی کمبوجیه است.[1] (سال ۵۲۷پ. م.)

آمار نشان می‌دهند که بیشترین روزی که در آن سال نو آغاز گشته روز ۲۹ فروردین ماه (۱۸ آوریل) بوده و پس از آن بیشترین آمار برای روز آغاز سال نو، روزهای نهم، یازدهم و نوزدهم فروردین ماه‌کنونی بوده است. نمودار زیر نشان دهنده روزهای آغاز سال نو و تعداد کامل آنها در زمان پادشاهان هخامنشی است.[2]

در تقویم هخامنشی براساس محاسبه‌های بابلی‌ها، هر چند سال یکبار یک ماه کبیسه را به ماه ششم یا ماه دوازدهم اضافه می‌کرده‌اند، که در این میان آغاز روز اول ماه سیزدهم یا همان ماه کبیسه دوم نشان می‌دهد که آغاز این ماه در روز یکم فروردین و چند روز پیرامون آن نگاه داشته می‌شده است. در دوره هخامنشی ۹ بار ماه سیزدهم در سال‌های کبیسه با روز یکم فروردین آغاز شده است. با اینکه مدارک به جا مانده از دوره هخامنشی یک محدوده زمانی متغیر را برای آغاز سال نو نشان می‌دهند، اما در این شکی نیست که سال نو در دوره هخامنشی (یا دست کم سال اداری و رسمی) با بهار آغاز می‌شده است. این گردش زمانی براساس محاسبه‌های مشترکی بوده که بیشتر در بابل و توسط کاهنان بابلی و مغان ایرانی ساکن بابل انجام می‌گرفته است. گزارش‌های بسیاری گویای حضور مغان ایرانی در بابل است و آنچنانکه می‌دانیم کارهای رصدی، نجومی، تقویم و گاهشماری همواره در دست روحانیون بوده است.

در تخت جمشید مدرک و نوشته مستندی در دست نیست که نشان دهنده برگزاری نوروز در تخت جمشید باشد، اما نمی‌توان پذیرفت که با شروع بهار و زنده شدن طبیعت و آغاز سالی تازه، هیچ مراسمی برگزار نمی‌شده. اکنون می‌توان به بررسی نمونه‌هایی چند

1- Ibid, p. 30 .

۲. این اطلاعات بر پایه اطلاعات داده شده در همان کتاب تنظیم گشته است.

پرداخت تا در این زمینه راهگشا باشند.

تالار آپادانا در تخت جمشید یکی از بزرگترین و مهم‌ترین ساختمان‌های سکوی تخت جمشید است و از جمله نخستین طرح‌های ساختمانی پیاده شده در این مجموعه بوده است. این کاخ به خوبی نشان می‌دهد که به عنوان یک تالار بار یا کاخ تشریفاتی ساخته شده و طرح و ساخت آن در زمان داریوش و خشایارشا انجام گرفته است. دیواره داخلی پلکان شمالی و شرقی آن دارای نقوش برجسته بسیار زیبایی است که می‌توان آنها را به چند گروه تقسیم کرد. نخست سربازان ایلامی هستند و در پشت سر آنان به عنوان گروه دوم، بزرگان و بلندپایگان پارسی و مادی هستند که به صورت یک در میان به سوی پلکان میانی در حال حرکت هستند. آنان در حال گفتگو با یکدیگر و یک همراهی دوستانه هستند. برخی دستان یکدیگر را گرفته‌اند و برخی برگشته و با کسی که دست بر شانه آنها گذاشته، مشغول صحبت هستند (البته حالت گفتگو تصویر نشده بلکه به بیننده القاء می‌شود). بیشتر این بزرگان شاخه‌ای از یک گل نیلوفر آبی در دست دارند. در پلکان میانی این ساختمان دو نقش برجسته وجود داشت که بعدها از جای خود بیرون آورده شده و به تالار خزانه برده شده و در آنجا نصب گردیده است.[۱] این نقش که اکنون به نقش بار عام خزانه معروف است و در اصل از آن تالار آپادانا بوده، صحنه بار در برابر پادشاه است و آن طور که شواهد نشان داده‌اند این شاه خشایارشاست، نه داریوش. شاه و ولیعهد هر دو در این صحنه گلی در دست دارند، گرچه این نقش بعدها به صورت یک نقش ثابت، همیشگی و تشریفاتی هخامنشی درآمد، اما در بسیاری از این نقوش که جزییات و حالت‌ها به خوبی رعایت شده و حالتی طبیعت‌گرایانه را به تصویر کشیده‌اند، گویای این است که همگی این افراد با گلهایی که در دست دارند باید در زمانی در این حالت حاضر می‌شده‌اند که فصل و زمانی مناسب برای رویش گل بوده (بحث مصنوعی بودن این گلها به دلایل گوناگون مردود است). آن طور که از گزارش‌های تاریخی بر می‌آید، ایرانیان همواره به باغ‌ها و پردیس‌ها توجه ویژه‌ای داشته‌اند، حفاری‌های پاسارگاد

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه نگاه کنید به تیلیا، بررسی و مرمت در تخت‌جمشید ودیگر اماکن باستانی فارس، ص ۲۴۲-۲۳۰.

نیز نشان داد که کاخ‌های هخامنشی پاسارگاد در میان باغ‌ها و جویبارها قرار داشتند.[۱] سراسر تخت جمشید نیز آکنده از نقش گلها و گیاهان است. بنابراین وجود این گلها می‌تواند گویای این باشد که محصول همین باغ‌ها بوده‌اند، حیاط‌ها و باغ‌هایی که شاید در پایین سکوی کاخ‌ها قرار داشته و گیاهان مورد نیاز توسط باغبانان سلطنتی در آنها کاشته می‌شده است، از نظر زمانی هنوز هم بهترین زمان برای شکوفایی گل‌ها در فارس، ماه فروردین و اردیبهشت است، به ویژه برای گل نیلوفر آبی که فصل‌های دیگر مناسب نیستند. پس زمان این صحنه را می‌توان نیمه آغازین بهار دانست.

نقوش دیگر پلکان شرقی و شمالی آپادانا به کسانی اختصاص دارد که آنها را باج آوران و یا خراج‌گزاران نام داده‌اند، به این خاطر که آنان در حال آوردن خراج‌ها و باج‌های سرزمین خود به حضور شاه شاهان هستند. این گفته نمی‌تواند درست باشد. همانگونه که گفته شد این نقوش از نظر حالت بسیار طبیعت‌گرایانه تصویر شده‌اند، گرچه به شیوه پیکرتراشی هخامنشی ساخته شده‌اند. اگر شمار افراد هر گروه از نمایندگان هر کشور بیش از این بود یا چیزهایی که با خود می‌آورده‌اند هدایای دیگری هم بود یا بیشتر بود، هنرمند می‌توانسته به راحتی آن تعداد را هم با تقسیم‌بندی مناسب به تصویر بکشد. بنابراین می‌توان پذیرفت هر گروه نمایندگان همین تعدادی بوده‌اند که در نقش‌ها تصویر شده‌اند. هدایا نیز اگر بیشتر از این بوده، هنرمند می‌توانسته با نشان دادن تصاویر دیگری، انبوهی و حجم کلان آنها را نشان دهد. پس اگر میزان هدایا همین بوده، نمی‌توان گفت که به عنوان باج و خراج سالانه یک سرزمین به شاه داده شده است، چرا که چنین میزانی از هدایا هرگز نشان دهنده خراج سالانه یک سرزمین نمی‌تواند باشد. یک کاخ تشریفاتی هم، مکان مناسبی برای حمل خراج سالانه کشورها نبوده و هرگز چنان حجم انبوهی از اموال گوناگون لزومی نداشته که در آن مکان گردآوری شود. از نظر مکانی شوش به عنوان یک مرکز اداری و حکومتی مکان مناسب‌تری به نظر می‌رسد. پس اگر این اشیاء و حیواناتی که به حضور شاه برده می‌شوند، خراج نباشند، هدیه هستند، هدیه‌هایی از سوی نمایندگان هر کشور به شاه. چهره‌های آرام، شادمانه و

---

۱. استروناخ، ۱۳۷۲.

لبخندهای مردمان کشورهای تابع، هیچ نشانی از اجبار یا ترس و وحشت ندارد که این اجبار و ترس در نقوش آشوری فراوان دیده می‌شود. پس اگر اینان هدیه‌آوران هستند، برای چه به شاه هدیه می‌دهند؟ سه فرض را می‌توان در اینجا مطرح کرد، یکی روز تولد شاه. آن گونه که در کتاب آلکیبیادس افلاطون آمده، یونانیان از رسم جشن گرفتن در روز تولد برای ایرانیان یاد کرده‌اند.(۱) فرض دیگر برای سالروز، به تخت نشستن پادشاه است که نباید زیاد بـه آن توجه کرد. چراکه به تخت نشستن هر شاه گرچه سرآغاز تاریخ دوران سـلطنت هـمان شـاه است و تاریخ‌ها را از آن به حساب می‌آورند، اما این در برگیرنده مرگ پدر شاه نیز هست. در میان هخامنشیان، پدران دارای جـایگاه و اهـمیت ویـژه‌ای هـستند، چـون هـمواره شـاهان هخامنشی در کتیبه‌های خود پدران خود را معرفی کرده و با تأکید از آنان سخن گفته‌انـد.(۲) پس چنین جشنی در این مورد نمی‌تواند درست باشد. مگر این فرض که این مراسم به عنوان یک مراسم معارفه پس از به تخت نشستن و با فاصله زمانی از مرگ شاه پیشین باشد.

فرض سوم جشنی است که شاید برای آغاز سال نو یا آغاز بهار برگزار می‌شده و این هدایا برای آغاز سال نو به شاه داده می‌شده است. همانند این مراسم در دوره ساسانی برگزار می‌شده و امروزه نیز همچنان پابرجا و استوار است و آن عیدی دادن و هدیه گرفتن در این زمان است.

از سوی دیگر مردمانی که با هدایا به سوی پادشاه می‌روند از کشورهای گوناگونی هستند و هر یک پوشاک سرزمین خود را به تن دارند. مردمان ساکن سرزمین‌های سردتر شمالی با پوشاک گرم و کاملاً پوشیده خود و مردمان سرزمین‌های گرم جنوبی چون مصریان و حبشیان و هندیان نیز با پوشاک کم و خنک خود ظاهر شده‌اند. برای نمونه هندیان با نیم تنه باز و پاهای برهنه در حال حرکت به سوی کاخ هستند. این پوشاک سنتی نشان می‌دهد که از نظر زمانی این رویداد در زمانی انجام می‌شده که هوا دارای اعتدال بوده، به طوری که مردمانی با پوشاک گرم خود و مردمانی با پوشاک اندک خود به راحتی در کنار هم قرار گرفته‌اند. چنین زمانی تنها

---

۱. در ایران، ای آلکیبیادس، هنگامی که نخستین فرزند وارث تاج و تخت به دنیا قدم می‌گذارد، در سراسر کشور جشن برپا می‌شود و ما، هنگامی به دنیا می‌آییم، چنانکه شاعر فکاهه‌سرا می‌گوید، همسایه‌هامان نیز از آن باخبر نمی‌شوند. نگاه کنید به: بدیع، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۶۱.

۲. برای نمونه نگاه کنید به متن XPF، Kent, 1953, p. 150 .

در اوایل فصل بهار در این منطقه امکان‌پذیر است (در پاییز به دلیل آغاز بارندگی در این منطقه، برای افراد ایجاد مشکل می‌کرده است) با توجه به تابستان بسیار گرم این منطقه و لباس‌های گرم، نمایندگان سرزمین‌های گرم و زمستان سرد منطقه که بی‌شک نمایندگان سرزمین‌های آفریقایی یا هند به آن خو ندارند، تنها زمان مناسب برای قرار گرفتن این افراد با هم در یکجا می‌تواند نیمه آغازین فصل بهار باشد. پوشاک بزرگان و نجبای پارسی و مادی هم گویای این امر است. مادی‌ها پوشاک بسته و گرم خود را با شلوارهایی یکپارچه که اغلب چرمین بوده و رداهای آستین‌دار بلند با آستین‌های آویخته به تن کرده‌اند، در حالی که پارسیان با جامه‌های گشاد و چین‌دار و خنک خود با آنان همراه هستند.

نقش سوم در پلکان‌های آپادانا نقش شیر و گاو است که در کاخ‌های دیگر نیز دیده می‌شود. تاکنون تعبیرهای بسیاری برای این نقش ارائه شده است، مانند شیر ایران که گاو بابل را می‌درد یا تعبیرهای دیگری که بیشتر آنها نادرست هستند. در این نقش چون هیچ نوشته یا اثر مشابه نوشته‌داری از آن در دست نیست، نمی‌توان با اطمینان کامل از آن سخن گفت، تنها به دست آمدن مدارک تازه در آینده می‌تواند روشنگر این مطلب باشد. اما برخی تعبیرهای ارایه شده برای این نقش جنبه نجومی دارد. در یکی از این تعبیرها گاو به عنوان صورت فلکی ثور و شیر به عنوان صورت فلکی اسد معرفی شده است. پدیدار شدن ثور در آسمان صبح، نشانه آمدن بهار بود، در نیمه زمستان صورت فلکی اسد در کنار نصف‌النهار قرار می‌گیرد، در حالی که ثور در غرب غروب کرده و ناپدید می‌شود. بنابراین نظر شیر به عنوان طالع و غلبه کننده بر ثور در حال مرگ نموده شده است.[۱] البته صورت فلکی گاو در آن زمان جزو صورت‌های فلکی منطقه‌البروج نبوده، کهن‌ترین لوح میخی که از ۱۲ شکل صورت‌های فلکی یکجا و به تنهایی نام می‌برد لوحه‌ای است به خط میخی بابلی معروف به لوحه VAT 4924 مربوط به ۹ اردیبهشت سال ۴۱۹ پیش از میلاد، یعنی زمان پادشاهی داریوش دوم هخامنشی.[۲] در این متن از دوازه شکل صورت‌های فلکی که ما امروزه

---

۱. نگاه کنید به: رزمجو، ۱۳۷۵، ص ۲۸.
۲. همانجا، ص ۲۸، و همچنین Gingerich, 1984 .

می‌شناسیم، با همان تقسیم‌بندی‌های فرضی دوازده‌گانه بـه جـای صـورت‌های فـلکی گـاو، خرچنگ و سنبله، صورت‌های فلکی و ستارگان پروین، بر ساوش و سماک اعزل قرار دارند. بعدها تنها تغییری که در این فهرست به وجود آمد این بود که یونانیان گاو و خرچنگ و سنبله را جایگزین پروین و برساوش و سماک اعزل کردند.[۱] پس در آن زمان صورت فلکی گاو جزو صورت‌های فلکی منطقه‌البروج به شمار نمی‌آمده، اما در هر صـورت یکـی از دهـها صورت فلکی شناخته شده برای رصدکنندگان آسمان بوده است. می‌دانـیم کـه بسـیاری از تصویرهای صورت‌های فلکی در بابل پس از تصرف بابل به دست کاسی‌ها در آنجا پدیدار می‌شوند. کاسی‌ها نیز خود از مردمان آریایی بودند که در زاگرس می‌زیستند و از مهاجران آریایی پیش از مادها و پارس‌ها بوده‌اند. شاید این عقاید و صورت‌های فلکی همراه آنان به بابل رفته باشد و کاهنان بابلی آن را تکامل بخشیده باشند، تا پس از سال‌ها این صورت‌های فلکی براساس واحد بیرو (bēru) بابلیان که برابر یک دوازدهم بود، دارای یک تقسیم‌بندی دوازده‌گانه شد. برخی تعداد گلبرگ‌های رزت‌های تـزئینی در کـاخ‌ها را نـیز نشـانه هـمین می‌دانند بدین معنی که تعداد ۱۲ گلبرگ نشانه ۱۲ ماه سال است. در صورتی کـه رزت‌هـای دارای سیزده، چهارده و هشت گلبرگ هم وجود دارد.

صورت فلکی حمل یا بره در آن زمان شناخته شده بود و معرف آغاز سال بود. با طلوع آفتاب در برج حمل بود که بهار آغاز می‌گشت، در حالی که امروزه دیگر آفتاب در برج حمل طلوع نمی‌کند بلکه در این مدت به خاطر حرکت تقدیمی زمین از ۲۰۰۰ سـال پـیش نـقطه طلوع آفتاب از حمل وارد صورت فلکی حوت شده است و در حوت طلوع می‌کند، اما هنوز همان اصطلاح کهن به کار برده می‌شود.[۲] شاید پس از طلوع آفتاب در برج حوت باشد که رسم گذاردن ماهی بر سر سفره سال نو رایج گشته است، به ویژه آنکه در برخی مناطق رسم بر این است که حتماً باید دو ماهی درون تنگ باشند، یعنی همان نماد دو ماهی در صورت فلکی حوت. آیا در آن زمان که آفتاب در برج بره طلوع می‌کرده، بره در مراسم سال نو دارای نقشی بوده؟ در خود تخت جمشید در نقوش برخی پلکانها افرادی را نقش کرده‌اند کـه بـه هـمراه

۱. همانجا.
۲. نگاه کنید به: امین تفرشی، ۱۳۷۶، ص ۳۰.

خود ظرفها، خوراکها و بره به همراه می‌برند. پوشاک این افراد تردیدی باقی نمی‌گذارد که اینان روحانیان پارسی و مادی هستند. این افراد چیزهایی راکه با خود حمل می‌کنند برای مراسمی آیینی به همراه می‌برند، نه آن گونه که تصور کرده‌اند برای شاه خوراک می‌برند. بردن این همه بره‌های زنده و آماده نشده برای خوراک به درون محوطه تشریفاتی کاخ بی‌معنی است. مراسمی که در این کاخ‌ها انجام می‌گرفته بدون شک شامل قربانی کردن بره بوده. متأسفانه نمی‌توان گفت که دقیقاً چه مراسمی در این کاخ‌ها برپا می‌شده، مراسمی مانند مراسم لن (Lan) که در گل نوشته‌های باوری تخت‌جمشید فراوان از آن یاد شده،[1] احتمال بیشتری دارد. از نظر زمانی نیز این مراسم آیینی ترتیب و نظم و زمان خاصی نداشته است. تنها می‌توان تصور کرد که اگر در مراسم آیینی چنین پیشکشی‌ها و رسومی انجام می‌گرفته و اگر برای برگزاری مراسمی برای آغاز سال نو و آغاز بهار مراسمی برگزار می‌شده است، شاید از همین شیوه پیروی شده باشد. موادی که در مراسم آیینی لن برای پرستش و نیایش خدایان آورده می‌شده، شامل خوراک‌های گوناگونی مانند گوسفند، گندم، آرد، شراب، آبجو، جو، انجیر، خرما بوده. این خوراک‌ها همه به درگاه خدایان پیشکش می‌شده و احتمالاً پس از تبرک آن طور که از متن گل نوشته‌ها بر می‌آید میان افراد و مردم تقسیم شده[2]، از این میان گندم، آرد، شراب، جو و خرما هر یک به نوعی تاکنون در سفره هفت سین حضور دارند. گندم و جو به عنوان سبزه، آرد به عنوان نان، شراب به عنوان سرکه، البته گفته می‌شود در گذشته جامی از شراب نیز بر سر خوان نوروزی قرار می‌داده‌اند. خرما نیز در برخی از سفره‌های هفت‌سین نهاده می‌شود و آن طور که آمده شاهان ساسانی در صبح روز نوروز از شیری که در آن خرما انداخته بودند، می‌نوشیدند.[3] شاید پس از تغییر جایگاه طلوع آفتاب از برج حمل به حوت، بره جای خود را به ماهی داده باشد و این رسم که در خوراک روز عید نیز ماهی گذاشته می‌شود به همین دلیل بوده. آوردن حبوبات و غلات برای مراسم سال نو بدون شک از همین‌گونه رسم‌هاست که بسیار نیز کهن است، شاید پیشینه آن به دوران آغاز فن

۱. رزمجو، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶-۱۶۱. ۲. همانجا، ص ۱۶۹-۱۶۷.
۳. فره‌وشی، ۱۳۵۵، ص ۶۱.

کشاورزی بشر برگردد که همواره از قدیمی‌ترین روایت‌ها بوده است. در عهد عتیق در سفر پیدایش آمده... و هابیل گله‌بان بود و قائن (قابیل) کارکن زمین بود. و بعد از مرور ایام واقع شد که قائن هدیه‌ای از محصول زمین برای خداوند آورد... (باب چهارم ۳ـ۲)[۱] پس شاید بتوان پیشینه این جشن را به قدمت بشر و تولید خوراک دانست. از آغاز خوان نوروزی باید با همین دانه‌ها و سبزه‌ها آغاز شده باشد و در گذر زمان چیزهای دیگر نیز بدان‌ها افزوده شده است. گفته‌هایی از نویسندگان و تاریخ‌نویسان دوره اسلامی در دست است که از این رسم در دوره ساسانی و حتی دوره اسلامی سخن می‌گوید. آن‌گونه که در کتاب المحاسن و الاضداد آمده: «مردی خوش نام و خوش شگون، بامداد نوروز به حضور شاه بار می‌یافت و میزی سیمین روبه‌روی او می‌نهاد. در کنار میز، کلوچه‌هایی گذاشته شده بود که از حبوب گوناگون مانند گندم، جو، ارزن، نخود، عدس، برنج، کنجد و لوبیای پخته تشکیل شده بود. وی هفت دانه از هر یک از انواع این دانه‌ها را بر می‌داشت و در کنار میز می‌گذاشت، در میان میز هفت شاخه درخت بید، زیتون، به و انار می‌گذاشتند و از روی آنها پیشگویی می‌کردند و شکل آنها را به فال نیک می‌گرفتند». در این گفته‌ها به خوبی دیده می‌شود که عدد هفت تا چه اندازه مورد توجه است. کهن‌ترین نمونه‌ای که در آن به سفره هفت‌سین با عدد هفت اشاره شده، نوشتهٔ ابوریحان بیرونی است که آورده است: «چون جمشید بر اهریمن که راه خیر و برکت و بارش باران و سبز شدن گیاهان و نعمت و فراوانی را بسته بود پیروز شد دوباره خیر و برکت و نعمت باران و سبز شدن گیاهان ... آغاز شد و هر کشتزار و شاخه و درختی که خشک شده بود، سبز و تازه شد و به همین دلیل مردم گفتند «روز نو» یعنی روزی جدید و دوری تازه، پس هر کسی از راه تبرک و یادمان، در این روز در ظرفی جویی کاشت، سپس این رسم در ایران باقی ماند و از آن پس مردم در نوروز در هفت ظرف، هفت نوع غله می‌کاشتند و سبز می‌کردند و با دیدن چگونگی رویش این سبزه‌ها، خوبی و بدی محصولات و وضعیت زندگی و کشت و کار را در سال نو پیش‌بینی می‌کردند.»

پس گیاهان و سبزه‌ها موارد اصلی سفره هفت‌سین را تشکیل می‌داده‌اند و شاید این گفته

۱. کتاب مقدس، ص ۵.

که هفت سین از هفت سینی گرفته شده، درست باشد، یا شاید در دوران اسلامی هفت سبزه را به صورت هفت سین خوانده‌اند چراکه این رسم از رسوم پیش از اسلام است و در آن زمان حرف سین معنی نداشته تا بر اساس یکی از حروف الفبای پس از اسلام خوان نوروزی چیده شده و به آن نام خوانده شود. شماری از چیزهایی که بر خوان نوروزی قرار مـی‌گیرند و از مهم‌ترین بخش‌های سفره هفت‌سین هستند خود با حرف سین آغاز نمی‌شوند، مانند آئینه، ماهی، انار، آتشدان، شیرینی، آب، نارنج، تخم‌مرغ، شیر و ... نیاز به گفتن نیست که هر یک از چیزهایی که بر سر خوان نوروزی قرار می‌گیرند مفهوم و معنای عمیقی دارند که ریشـه در تاریکی تاریخ دارد. اما همه چیز بر سر سفره هـفت‌سین بـه طـور کـلی از یک چـیز سـخن می‌گویند و آن آغاز رویش و برکت شکوفایی جهان و هستی است.

آیا تخت جمشید خود این را بیان نمی‌کند. سرتاسر تخت جمشید آکنده از نقش گلها و گیاهان در حال رویش و اوج شکفتگی است سرتاسر دیواره‌ها و فاصله نقش‌ها، حاشیه‌ها و حتی درهای آرامگاهها نیز باگل‌های نیلوفر آبی و گل‌های رزت پوشیده شده. فاصله مـیان گروه‌های نمایندگان در نقوش پلکان‌های شمالی و شرقی آپادانا درختان کـاج بـه تـصویر کشیده شده است. بر کناره پلکان‌ها ردیفی از گیاهان دیده می‌شود که اختلاف ارتـفاع آنـها نمایانگر رویش گیاهان به سوی بالاست و این حرکت را القاء می‌کند. حتی بر بالای ستون‌ها و گردن گاوهای سر ستون نیز این گلها نقش شده‌اند و در واقع سراسر مجموعه تخت جمشید دارای تصویرهایی از رویش گیاهان و شکفتگی و زنده شدن طبعیت است.[1] به سخن دیگر تکرار آفرینش جهان به دست اهورامزدا است، مگر نه اینکه داریوش و خشایارشا و دیگـر فرمانروایان هخامنشی در سرآغاز کتیبه‌های خود به ویژه در تخت جمشید این گفته را تکرار می‌کنند: «خدای بزرگ است اهورامزدا، که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی را برای مردم آفرید». همه چیز در این مجموعه گـویای آفـرینش، بـهار، شکوفایی و تازه شدن است.

۱. البته این سخن بدان معنا نیست که تخت جمشید را تنها برای برگزاری مراسم سال نو ساخته بودند.

نمودار روزهای آغاز سال نو در دوران هخامنشی (در تقویم رسمی)

	اسفندماه																													
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
کوروش																					×									
کمبوجیه																														
داریوش																														
خشایارشا																														
اردشیر اول																														
داریوش دوم																														
اردشیر دوم																														
اردشیر سوم																														
ارشه. (آرسس)																														
داریوش سوم																														
تعداد																					۱									

نمودار روزهای آغاز سال نو در دوران هخامنشی* (در تقویم رسمی)

	فروردین ماه																													
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
کوروش				×		×		×			×					×			×								×		×		
کمبوجیه	×						×		×			×						×		×			×					×			
داریوش			××		×		×	×	×	××	××	×	××	×	×	×	×		××	××		××	×	×	××		××	×	×××	×	×
خشایارشا					×	×		×	×		×	×		×		×	××		×	×		×	×		×	×		×		×	
اردشیر اول						××	×	×	××		××	×	×	×××	××	×	×	×	×	×	×	××	×	×××	××	×	××		×	×	××
داریوش دوم						×	×		×		×		×	×	×	×		×	×			×		×	×	×		×	×	×	
اردشیر دوم						××	××	×	××	××		××	×	×	×	××	××	×	×××	×	×××	×	×	×	×	×××		××	×××	×	×
اردشیر سوم						×	×			×	××	×	×	×			×	×		×	×		××	×		×	×		×	×	
ارشه. (آرسس)																				×										×	
داریوش سوم					×				×							×								×				×			
تعداد	۱		۲	۱	۳	۸	۷	۵	۹	۵	۹	۷	۶	۸	۵	۸	۷	۵	۹	۸	۵	۷	۷	۸	۷	۷	۶	۷	۱۰	۷	۴

نمودار روزهای آغاز سال نو در دوران هخامنشی* (در تقویم رسمی)

	اردیبهشت ماه																														
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
کوروش																															
کمبوجیه																															
داریوش			×																												
خشایارشا	××	×																													
اردشیر اول		×××	××																												
داریوش دوم	×		×																												
اردشیر دوم	××		×××						×																						
اردشیر سوم	×	×																													
ارشه. (آرسس)																															
داریوش سوم																															
تعداد	۶	۵	۷						۱																						

کتابنامه :

۱ـ استروناخ، دیوید، ۱۳۷۲، "شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن در باغ‌سازی ایران"، ترجمه کامیار عبدی، اثر، شماره ۲ و ۲۳، ص ۵۰-۷۲.

۲ـ امین تفرشی، بابک، ۱۳۷۶، "حوت"، شماره ۷۳، ص ۳۱-۳۰.

۳ـ بدیع، امیرمهدی، ۱۳۶۴، "یونانیان و بربرها"، ترجمهٔ احمد آرام، ج ۱ و ۲، نشر پرواز.

۴ـ تیلیا، آن بریت، ۱۹۷۲، "بررسی و مرمت در تخت جمشید و دیگر اماکن باستانی فارس"، ایزمئو، رم.

۵ـ رزمجو، شاهرخ، ۱۳۷۵، منشاء صورت‌های فلکی منطقةالبروج" نجوم، شماره ۵۵-۵۴، ص ۲۹-۲۵.

۶ـ رزمجو، شاهرخ، ۱۳۷۶، "مراسم لن و دیگر مراسم آئینی در دورهٔ هخامنشی"، یاد بهار، نشر آگاه، تهران، ص ۱۸۶-۱۶۱.

۷ـ فره وشی، بهرام، ۱۳۵۵، "جهان‌فروری"، دانشگاه تهران.

۸ـ کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید، متن فارسی، چاپ ۱۹۸۱ (۱۳۶۰)

9- Gingerich, O., March 1984, "The Origin of the Zodiac", Sky & Telescope.

10- Kent, R. G., 1953, "Old Persian Grammar", American Oriental Society, New Hawen, Connecticut.

11- Parker, R. A., Dubberstein, W.H., 1956, "Babylonian Chronology" Brown University Press, Providence, Rhode Island.